مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱

Urban managment
No.68 Autumn 2022

۳۹-۵۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۱/۰۹/۲۳

مفهوم‌پردازی الگوی فرآیندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی (مطالعه موردی: زلزله سرپل ذهاب)

ایوب پژوهان: استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

پس از وقوع بحران‌های طبیعی نظیر زلزله، تداوم فعالیت کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی و تأثیر مثبت آن در بازتوانی اقتصادی و معیشتی مردم بومی، درخور توجه ویژه است. با این وجود، بیشتر منابع بازتوانی به مسکن اختصاص داده می‌شود و بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک مورد غفلت قرار می‌گیرد. از این‌رو، پژوهش حاضر باهدف مفهوم‌پردازی الگوی فرآیندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی انجام شده است. پژوهش حاضر ازنظر هدف کاربردی، ازنظر ماهیت داده کیفی و ازنظر روش، تحلیل محتوا است. جامعه موردمطالعه را مطلعان کلیدی و خبرگان حوزه کسب‌وکار تشکیل داد. به‌منظور گردآوری داده‌های موردنیاز، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و با بهره‌مندی از فنون قضاوتی و گلوله برفی، با ۲۹ نفر از مطلعان کلیدی مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند صورت پذیرفت. حجم نمونه، وابسته به اشباع نظری داده‌ها بود. به‌منظور سنجش اعتبار پژوهش، از روش‌های مثلث سازی، روش کنترل اعضاء و بازبینی توسط خبرگان استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش حاصل از مراحل کدگذاری، ۷۶ کد اولیه، ۳۱ مفهوم و ۳ مقوله از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید. افزون بر این، نتایج تحلیل محتوای داده‌ها حاکی از این است که الگوی فرایندی بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک، مشتمل بر سه مرحله راهبردهای قبل از بحران، حین بحران و پس از بحران است. به نظر می‌رسد انجام اقدامات پیشگیرانه قبل از وقوع بحران و اتخاذ تصمیمات مناسب در حین و پس از وقوع بحران، می‌تواند تأثیر بسزایی در روند بازآفرینی کسب‌وکارها و سایر ابعاد بازسازی نظیر بازسازی کالبدی، اجتماعی و روانی داشته باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران، متولیان امر و مالکان کسب‌وکارها قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران؛ الگوی فرآیندی؛ بومی‌سازی؛ بازآفرینی؛ کسب‌وکار شهری و روستایی؛ زلزله.

Conceptualization of a Local Process Model for the Regeneration of Urban and Rural Small Businesses (Case Study: Sarpol-e Zahab Earthquake)

Abstract

After the occurrence of natural crises such as earthquakes, the continuation of small urban and rural businesses and its positive effect on the economic rehabilitation and livelihood of local people deserve special attention. However, most rehabilitation resources are allocated to housing and small business recovery is neglected. Therefore, the current research was conducted with the aim of conceptualizing the local process model for the recovery of urban and rural small businesses. The current research is in terms of applied purpose, in terms of the nature of qualitative data and in terms of method, content analysis. The studied community was formed by key informants and business experts. In order to collect the required data, a semi-structured in-depth interview was conducted with 29 key informants using the theoretical sampling method and with the benefit of judgment and snowball techniques. The sample size depended on the theoretical saturation of the data. In order to measure the validity of the research, triangulation methods, member control method and review by experts were used. Based on the research findings from the coding stages, 76 primary codes, 31 concepts and 3 categories were extracted from the text of the interviews. In addition, the results of data content analysis indicate that the model of small business regeneration process consists of three stages of pre-crisis, during-crisis and post-crisis strategies. It seems that taking preventive measures before the crisis and taking appropriate decisions during and after the crisis can have a significant effect on the business regeneration process and other dimensions of reconstruction such as physical, social and psychological recovery. The results of this research can be used by policy makers, administrators and business owners.

Keyword: Crisis Management; Process Model; Localization; Regeneration; Urban and Rural Business; Earthquake.

* نویسنده مسؤول Pazhouhan@pnu.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مقدمه

یکی از چالش‌های مهمی که بلایای طبیعی ایجاد می‌کنند این است که آن‌ها بیشترین تأثیر اقتصادی را در کشورهای درحال‌توسعه ایجاد می‌کنند؛ به نحوی که فاجعه ناشی از یک بلای طبیعی، می‌تواند به راحتی توانایی دولت در پاسخگویی و بهبود اقتصاد را از بین ببرد. از این‌رو، اثر مالی یک بلای طبیعی تابعی از اندازه فاجعه نسبت به اندازه اقتصاد یک کشور در زمان فاجعه است (الخوراییف و همکاران[1]، ۲۰۲۱: ۱). در این راستا، زلزله یکی از مخرب‌ترین نیروهای طبیعت است که در قرن گذشته جان میلیون‌ها نفر از مردم جهان را گرفته و خسارت‌های فراوانی به بار آورده است. در سالیان گذشته، این پدیده ویرانگر در ایران، خسارت‌های جانی و مالی و تأثیرات منفی اجتماعی و اقتصادی فراوانی برجای گذاشته است (حسین‌پور، ۱۳۹۲: ۱). کشور ایران با دارا بودن ۳۲ مورد از ۴۳ مورد مخاطرات طبیعی ثبت شده، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان است (عزمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸۴) و به علت قرارگیری در مسیر کوه‌زایی آلپ–هیمالیا، در معرض یکی از مخرب‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین مخاطرات طبیعی، یعنی زلزله قرار گرفته است (دوستی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۱). کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی، جزء ۱۰ کشور حادثه‌خیز و آسیب‌پذیر از بلایای طبیعی جهان بشمار می‌آید (سرور و کاشانی اصل، ۱۳۹۵: ۸۸)؛ چرا که بر اساس آمارهای منتشر شده، بزرگ‌ترین و مرگ‌بارترین زلزله‌های ۱۱۰ سال اخیر ایران، در مجموع ۱۴۸ هزار و ۴۷۱ کشته برجای گذاشته‌اند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۶). آمار نشان می‌دهد اغلب مناطق استان کرمانشاه از نظر زلزله‌خیزی فعال بوده و هرچند سال یک بار، زلزله‌های مخرب بخش‌های وسیعی از این استان را تخریب نموده و خسارات جانی و مالی فراوانی به بار آورده است. سابقه تاریخی وقوع زلزله در زاگرس، گویای این است که استان کرمانشاه از زمان‌های قدیم در معرض زلزله‌های شدید قرار داشته و در طول تاریخ بارها شاهد خرابی‌های فراوانی بوده است. آخرین گواه بر این ادعا، زلزله شدید ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه روز یکشنبه، تاریخ ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۶ با بزرگی گشتاوری ۷/۳ ریشتر در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله واقع در غرب استان کرمانشاه (در ناحیه مرزی ایران و عراق) و ۳۷ کیلومتری شمال غرب شهرستان سرپل ذهاب است که موجب خسارات مالی و تلفات جانی قابل‌توجهی در نواحی روستایی و شهری کرمانشاه و به‌ویژه در شهر سرپل ذهاب و روستاهای مجاور آن شد و بالغ بر ۶۰۰ نفر کشته و بیش از ۱۲ هزار مصدوم برجای گذاشت. این زلزله به ۷ شهرستان و بیش از ۲ هزار روستای استان کرمانشاه خسارت وارد نمود. حدود ۱۰ ماه بعد از این زلزله، در تاریخ ۴ شهریور سال ۱۳۹۷ زلزله‌ای دیگر با بزرگی گشتاوری ۶ ریشتر شهر تازه‌آباد و روستاهای اطراف آن را لرزاند (پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، ۱۳۹۶).

یکی از خسارت‌هایی که بعد از وقوع زلزله‌های اخیر رخ داد، خسارت‌هایی بود که به معیشت و کسب‌وکارهای کوچک اهالی مناطق زلزله‌زده وارد شد و موجب وقفه و اختلال در روند فعالیت کسب‌وکارها گردید و به مراتب به افراد زلزله‌زده، بیش‌ازپیش به دلیل نبودن کسب‌وکارها، فشار وارد شد. با توجه به اینکه کشاورزی و دامداری شغل اصلی اکثر مردم در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه محسوب می‌شود و اکثر مردم این مناطق، با اشتغال در این امور به امرارمعاش می‌پردازند؛ بنابراین از جمله خسارت‌های وارده به معیشت روستائیان می‌توان به تخریب آغل‌ها و محل نگهداری دام‌ها و طیور، تلفات دام‌ها و طیور، تخریب واحدهای پرورش دام‌های سنتی و صنعتی، تخریب استخرها و مزارع پرورش ماهی شهر ریجاب و سایر مناطق، خسارت به زمین‌های کشاورزی، باغات و مزارع و همچنین منابع اصلی درآمد خانواده‌های روستایی مانند ابزار، ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی مانند تراکتور، ایستگاه‌های پمپاژ آب و منابع تأمین آب مانند چاه‌ها و کانال‌های آب، اشاره نمود. همچنین بر اساس آمار و مشاهدات میدانی پژوهشگر، زلزله مذکور خسارت‌ها و آسیب‌های فراوانی به کسب‌وکارهای کوچک از قبیل بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک و خانوادگی، مغازه‌ها و سایر حِرف و مشاغل، در شهر سرپل ذهاب و روستاهای اطراف آن وارد نمود. بر اساس آمار رسمی، در جریان زلزله سال ۱۳۹۶ کرمانشاه، به ۱۸۶واحد صنعتی و ۵۶۴۴ واحد صنفی، خسارت وارد شد و ۱۰۷۷ واحد نیز، نیاز به ساخت مجدد دارند (اداره صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه، ۱۳۹۶). تصویر ۱، نمایانگر بخشی از خسارت‌های وارده به کسب‌وکارهای کوچک اهالی مناطق زلزله‌زده در شهرهای سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی و ریجاب است.

1.Alkhurayyif et al.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]



تصویر ۱. خسارت زلزله به مزارع پرورش ماهی در شهر ریجاب، شرکت تولید آسفالت در ثلاث باباجانی و شرکت لبنیاتی در سرپل ذهاب (منبع: تصویربرداری محقق)

از این‌رو، مشکل بازآفرینی کسب‌وکارها برای بازماندگان از زلزله، بلافاصله پس از وقوع زلزله شروع می‌شود. با این حال، بازسازی صرفاً مشمول ساختمان‌ها و تأسیسات زیربنایی می‌شود و بازآفرینی کسب‌وکار مورد غفلت قرار می‌گیرد و در نتیجه اشتغال و تأمین معیشت پایدار در این‌گونه حوادث مهیب، در کمترین رتبه توجه سازمان‌های دولتی و به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است. از آنجا که متولیان امر بازسازی معمولاً به انجام کارهای ملموس و قابل دیده شدن توسط عامه مردم علاقه دارند، در فرآیند کمک‌رسانی‌ها، کمتر اثری از توجه به بازآفرینی کسب‌وکارها و اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و درآمدزا، درس‌آموزی از تجارب گذشته و پژوهش‌ها دیده می‌شود. توجه خاص به اشتغال‌زایی در مناطق حادثه‌دیده، می‌تواند وجهی از رهیافت «مدیریت بحران اجتماع‌محور» بشمار آید. این رهیافت بر توانمندسازی آسیب دیدگان و پرهیز از رفتار کمک کننده- کمک گیرنده دلالت دارد؛ رفتاری که معمولاً منجر به تضعیف اعتمادبه‌نفس کمک گیرندگان تا حد روحیه تکدی گری می‌شود (ایرانمنش، ۱۳۹۶: ۱۹ و ۴۶). با توجه به مطالبی که ذکر گردید، مخاطرات طبیعی ازجمله زلزله، تأثیرات مخرب بر روی انواع کسب‌وکارها به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک برجای می‌گذارند. در برخی موارد، این تأثیرت آن‌قدر شدید است که برای مدت‌ها در روند فعالیت کسب‌وکارها وقفه طولانی‌مدت ایجاد می‌شود. در این میان، کسب‌وکارهای کوچک به جهت نقشی که در تأمین کالا، خدمات و مایحتاج ساکنان بومی دارند، بازآفرینی آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. این در حالی است که نگاه متولیان امر بازسازی، بیشتر بر بازسازی از منظر کالبدی معطوف گشته و بازآفرینی معیشت و کسب‌وکار ساکنان محلی مورد غفلت قرار می‌گیرد. تجارب وقوع بلایای طبیعی متعدد در کشور و عدم توجه به روند تداوم فعالیت کسب‌وکارها و همچنین اولویت نداشتن بازآفرینی کسب‌وکارها، از سوی متولیان امر بازسازی، مؤید این مطلب است. در تجربه زلزله سرپل ذهاب، باوجود اهمیت، ضرورت و نقش بسزای بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک آسیب‌دیده و تخریب‌شده در مناطق زلزله‌زده شهری و روستایی، در استمرار فعالیت و معیشت بازماندگان از زلزله و تقویت روحیه امید در آن‌ها، براساس مشاهدات میدانی پژوهشگر از مناطق زلزله‌زده و به زعم مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، همواره نسبت به تأمین مسکن و سرپناه، از اهمیت بسیار کمتری برخوردار بوده است. بعد گذشت پنج سال از وقوع زلزله، به دلایل متعدد، بسیاری از کسب‌وکارها غیرفعال هستند و یا با حداقل ظرفیت خود فعالیت می‌کنند. این در حالی است که به‌زعم کارشناسان و متخصصان عرصه بازسازی پس از سانحه، بازآفرینی و احیاء مجدد کسب‌وکارها نقش بسزایی در بازسازی کالبدی و سایر ابعاد بازسازی پس از سانحه از قبیل بازسازی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

اجتماعی و روانی دارد. با عنایت به سانحه خیز بودن کشور ایران و وقوع بلایای طبیعی فراوان در کشور نظیر زلزله و به‌رغم اهمیت فراوان موضوع بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران، در این زمینه در سطح داخلی مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته و خلأ پژوهش‌ها و مطالعات پیرامون بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران‌های طبیعی، به شدّت احساس می‌شود. از این‌رو، با عنایت به مطالبی که ذکر آن رفت، هدف از انجام این پژوهش «ارائه الگوی فرآیندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی» است. براین اساس، پرسش اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌گردد که الگوی فرآیندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه چگونه الگویی است و از چه مؤلفه‌ها و مراحلی تشکیل شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

- اثرات بلایای طبیعی بر روی کسب‌وکارهای کوچک

زلزله ازجمله بلایای طبیعی است که می‌توانند تأثیرات قابل‌توجهی بر انواع کسب‌وکارها داشته باشد. تأثیرات مستقیم شامل تلفات انسانی و آسیب به محل کسب‌وکار، تجهیزات، وسایل نقلیه و موجودی‌هاست (ویتنی و همکاران[1]، ۲۰۰۱: ۱۵۳؛ رُز[2]، ۲۰۰۹: ۱). تأثیرات غیرمستقیم عبارتند از وقفه در فعالیت کسب‌وکارها، کاهش ارزش دارایی و اثرات بازار سهام و همچنین تأثیرات اجتماعی و محیطی (رُز، ۲۰۰۹: ۱). علاوه بر این، در خلال وقوع بلایای طبیعی، تأسیسات زیربنایی مانند آب و فاضلاب، برق، حمل‌ونقل، سوخت و خطوط مخابراتی دچار اختلال می‌شوند (آلش و همکاران[3]، ۲۰۰۱).در بسیاری از موارد، هرچند آسیب مستقیم به کسب‌وکارها ناچیز است؛ با این حال، اثرات غیرمستقیم به اندازه کافی شدید هستند که موجب توقف فعالیت‌های کسب‌وکار شوند (عسگری و صادقی نائینی، ۲۰۱۱: ۹۰). توانایی کسب‌وکارها برای بازیابی پس از بلایای طبیعی، بستگی به عوامل داخلی و خارجی دارد. عوامل داخلی عبارتند از عواملی نظیر نوع، اندازه، کاهش ریسک و برنامه‌ریزی تداوم کسب‌وکار، ظرفیت مالی، میزان آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم و ارتباط با صنعت. عوامل خارجی مربوط به آن دسته از عواملی هستند که خارج از کنترل کسب‌وکارها هستند. از قبیل اختلال در جامعه و میزان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و نهادی. در این راستا، کسب‌وکارهای کوچک اغلب آن‌هایی هستند که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ظرفیت کمی برای بازآفرینی پس از بلایای طبیعی دارند و به احتمال زیاد کمتر از برنامه‌ریزی استمرار کسب‌وکار به منظور کاهش آسیب‌های ناشی از بلایای طبیعی استفاده می‌کنند (ژانگ و همکاران[4]، ۲۰۰۹: ۴۸).

کسب‌وکارهای کوچک معمولاً توانایی دفع خطرات و تأثیرات فاجعه را ندارند؛ زیرا اغلب در محلی با چند کارمند فعالیت می‌کنند و قادر به کاهش ریسک نیستند (وب و همکاران[5]، ۲۰۰۰: ۲). کسب‌وکارهای کوچک، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، احتمال بیشتری دارد که با امکانات ناایمن کسب‌وکار، نبود منابع انسانی و مالی ضروری و همچنین نداشتن دانش لازم در مورد آسیب‌پذیری و اجرای برنامه‌های استمرار کسب‌وکار، در مناطق در معرض بلایای طبیعی قرار گیرند (ویتنی و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۵۵). علاوه بر این، کسب‌وکارهای کوچک به احتمال فراوان قادر به پرداخت هزینه بیمه حتی اگر به آن دسترسی داشته باشند، نیستند (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۲). از سوی دیگر، هنگامی که یک جامعه در معرض بلایای طبیعی قرار دارد، توانایی کسب‌وکارهای کوچک محلی برای بقاء، عامل مهمی در روند بازآفرینی است؛ چراکه کسب‌وکارها با تأمین مشاغل، کالاها و خدمات و درآمد مالیاتی، نقش حیاتی اجتماعی و اقتصادی در احیاء جامعه آسیب‌دیده ایفا می‌کنند (کوکران[6]، ۱۹۹۲: ۱۰۲). با این حال، بازآفرینی پس از فاجعه، نه تنها از طریق تأثیر مستقیم فیزیکی بر روی کسب‌وکارها، بلکه از راه‌هایی که در آن بلایا ایجاد اختلال بلندمدت برای مالکان کسب‌وکارها می‌کنند؛ تأثیر می‌پذیرند. بلایای طبیعی می‌توانند دوره‌های طولانی از وقفه کسب‌وکار، مشکلات لجستیکی، کاهش درآمد به علت از دست دادن مشتریان و سایر مسائل عملیاتی ایجاد کنند (تیرنی[7]، ۲۰۰۷: ۲۷۵-۲۷۶). از سوی دیگر، پس از یک بحران طبیعی، تصمیمات مربوط به بازآفرینی و بقای کسب‌وکارها برای بازیابی جامعه آسیب‌دیده، حائز اهمیت است (دیتچ وکوری[8]، ۲۰۱۱: ۳۱۲). بقای کسب‌وکارها، نقش اساسی در بهبود بلندمدت جامعه آسیب‌دیده ایفا می‌کند. پس از وقوع مخاطرات طبیعی، کسب‌وکارهای فعال، بر تصمیمات ماندگاری اهالی در منطقه بحران‌زده، تأثیر می‌گذارد. افزون براین، تداوم فعالیت کسب‌وکارها، بر بازآفرینی سایر کسب‌وکارها، تأثیرگذار است (ژیائو و ونزانت[9]، ۲۰۱۲: ۱۴). از سوی دیگر، احتمال بیشتری وجود دارد که ساکنان بومی، به منطقه‌ای بروند که کسب‌وکارهای بیشتری فعال است؛ بنابراین مشتریان محلی در بقای طولانی‌مدت بسیاری از کسب‌وکارهای محلی نقش اساسی دارند. تعامل سازنده بین خانوارها و کسب‌وکارها به‌ویژه برای جوامع کوچک بسیار حیاتی است؛ چراکه به دلیل کمبود منابع دولت محلی، جوامع کوچک ظرفیت نسبتاً کمی برای بازآفرینی زیرساخت‌های خود دارند (عسگری و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۶-۴۷). به دلایل مختلف، کسب‌وکارهای کوچک برخلاف کسب‌وکارهای بزرگ، در برابر ضرر اقتصادی ناشی از بلایای طبیعی، آسیب‌پذیرتر هستند (وب و همکاران، ۲۰۰۰: ۴). علاوه بر خسارت به املاک و دارائی‌ها،

1.Whitney et al.
2. Rose
3. Alesch et al.
4. Zhang et al.

5. Webb et al.
6. Cochrane
7. Tierney
8. Deitch & Corey
9. Xiao & Van Zandt

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

کسب‌وکارهای موجود در مناطق آسیب‌دیده به دلیل جابه‌جایی و تغییر محل سکونت کارکنان خود، با اختلال و وقفه در عملکرد مواجه می‌شوند (ژیائو و ون زانت، ۲۰۱۲: ۳-۲). به این ترتیب، برخی از کسب‌وکارها، به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک از قبیل خرده‌فروشان و رستوران‌ها، به تأمین‌کنندگان خود متکی هستند، بنابراین اختلال و وقفه در زنجیره‌های عرضه نیز می‌تواند مانع عملکرد آن‌ها شود (مارشال و همکاران[1]، ۲۰۱۵: ۳۴۰). عواملی که در بازآفرینی کسب‌وکارها تأثیر می‌گذارند عبارتند از: ۱) تأثیرات فیزیکی مستقیم مانند آسیب به اموال و دارائی‌ها و اختلال در روند زندگی؛ ۲) ویژگی‌های کسب‌وکارها و مالکان آن‌ها، از قبیل زمینه‌ای که یک کسب‌وکار در آن فعالیت می‌کند، اندازه کسب‌وکار، سن کسب‌وکار، شرایط مالی و مشخصات جمعیت شناختی صاحبان کسب‌وکار؛ و ۳) جنبه‌های مختلف تأثیرپذیری جامعه (لی[2]، ۲۰۲۱: ۲۹۶).

- عوامل مؤثر در بازآفرینی کسب‌وکارها پس از مخاطرات طبیعی

در جدول شماره ۱ مقوله‌ها و عوامل پیش‌بینی کننده تداوم فعالیت کسب‌وکارها پس از مخاطرات طبیعی که براساس مطالعه و بررسی پیشینه تجربی پژوهش‌های صورت پذیرفته در این حوزه انجام شده است، به‌صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱: مقوله‌های پیش‌بینی کننده تداوم فعالیت کسب‌وکارها پس از مخاطرات طبیعی

مقوله‌ها	عوامل	پژوهشگر (سال)
ویژگی‌های مالک کسب‌وکار	سن	عسگری و همکاران (۲۰۱۲)
	جنسیت	مارشال[3] و همکاران (۲۰۱۵)
	تحصیلات	مارشال و همکاران (۲۰۱۵)؛ اورهان[4] (۲۰۱۶)؛ سیدنور و همکاران[5] (۲۰۱۷)
	نژاد/ قومیت	سیدنور و همکاران (۲۰۱۷)
	تجربه فاجعه	عسگری و همکاران (۲۰۱۲)؛ مارشال و همکاران (۲۰۱۵)؛ اورهان (۲۰۱۶)
	درک مالک از بازآفرینی	خان و سایم[6] (۲۰۱۳)
ویژگی‌های کسب‌وکار	نوع کسب‌وکار/ بخش صنعت	دیتچ و کوری[7] (۲۰۱۱)؛ خان و سایم (۲۰۱۳)؛ اورهان (۲۰۱۶)
	اندازه کسب‌وکار/ کارکنان تمام‌وقت	خان و سایم (۲۰۱۳)؛ مارشال و همکاران (۲۰۱۵)؛ اورهان (۲۰۱۶)
	دامنه بازار اولیه	اورهان (۲۰۱۶)
	مالکیت حقوقی و حقیقی	سیدنور و همکاران (۲۰۱۷)
	تسهیلات مالی	اورهان (۲۰۱۶)
	شرایط مالی قبل از فاجعه	مارشال و همکاران (۲۰۱۵)؛ اورهان (۲۰۱۶)
آمادگی و برنامه‌ریزی قبل از بلایای طبیعی	برنامه‌ریزی قبل از فاجعه	ژیائو و پیکوک[8] (۲۰۱۴) [۲۶]
	بیمه کسب‌وکار	پونتیراکول و همکاران[9] (۲۰۱۶)
عوامل مربوط به تأثیر بلایای طبیعی	آسیب فیزیکی	مارشال و همکاران (۲۰۱۵)؛ اورهان (۲۰۱۶)؛ سیدنور و همکاران (۲۰۱۷)
	مدت زمان تعطیلی کسب‌وکار	سیدنور و همکاران (۲۰۱۷)
	آسیب به امکانات، از دست دادن مشتری و از بین رفتن مادام‌العمر	دیتچ و کوری (۲۰۱۱)

1. Marshall et al.
2. Lee
3. Marshall
4. Orhan
5. Sydnor
6. Khan & Sayem
7. Deitch & Corey
8. Xiao & Peacock
9. Poontirakul etal.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مقوله‌ها	عوامل	پژوهشگر (سال)
عوامل توانمندساز کسب‌وکارها	آموزش در زمینه کاهش بلایا	خان و سایم (۲۰۱۳)
	حمایت از طرف خانواده و دوستان	عسگری و همکاران (۲۰۱۲)
	وام‌های بانکی	خان و سایم (۲۰۱۳)
	یارانه‌های دولتی	عسگری و همکاران (۲۰۱۲)
	حمایت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد	عسگری و همکاران (۲۰۱۲)

- مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

در این بخش، خلاصه نتایج مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط انجام شده در قالب جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه نتایج برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط پیشین

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	خلاصه نتیجه پژوهش
هوانگ[1] و همکاران (۲۰۱۸)	بازآفرینی کسب‌وکارهای پسافاجعه و توسعه پایدار: زلزله ۲۰۰۸ وینچوان چین	لزوم توجه به توسعه سیاست‌های بازآفرینی کسب‌وکارها پس از بلایای طبیعی در کشورهای درحال‌توسعه.
موریش و جونز[2] (۲۰۲۰)	بازآفرینی کسب‌وکار پس از فاجعه: چشم‌انداز بازاریابی کارآفرینانه	پویایی محیط کسب‌وکار، تحت تأثیر تصمیمات کارآفرینانه، اقدامات و رفتارهای بازاریابی کارآفرینانه قرار دارد.
عسگری و همکاران (۲۰۲۰)	تاب‌آوری پویا و انطباقی کسب‌وکارهای کوچک پس از زلزله ۲۰۱۵ نپال	اکثر کسب‌وکارهای، برنامه مدیریت ریسک و تداوم کسب‌وکار نداشتند. عوامل مالی، به‌ویژه استفاده از پس‌انداز و حمایت خانواده، بیشترین ارتباط را با بازآفرینی و تاب‌آوری پویا دارد.
لی[3] (۲۰۲۱)	بازگشایی کسب‌وکارها پس از طوفان هاروی: شواهدی از الگوی استمرار با اثرات فضایی	با توجه به نقش حیاتی که سرمایه اجتماعی در تاب‌آوری کسب‌وکارها در برابر بحران ایفا می‌کند، مالکان کسب‌وکارهایی که از سرمایه اجتماعی برخوردار بودند، فعالیت مجدد کسب‌وکار خود را زودتر از سایرین آغاز نمودند.
لی (۲۰۲۱)	پیامدهای اقتصادی طوفان‌های هاروی و ایرما: نقش کمک‌های فدرال	بین خسارت‌های اقتصادی مستقیم طوفان و اقدامات دولت محلی ارتباط قوی وجود دارد. تأثیر منفی طوفان‌ها بر بیکاری و اشتغال محلی در عرض یک سال از بین رفت. همراه با ظرفیت تاب‌آوری جوامع فردی، کمک‌های فدرال در حمایت از بهبود جوامع محلی در دو منطقه خسارت‌دیده نقش دارد.
بارنت-کوایکو و احمدو[4] (۲۰۲۱)	تداوم کسب‌وکارها و بازیابی بلایا در غنا	کسب‌وکارها باید برنامه‌های تداوم کسب‌وکار و بازیابی بلایا را برای حفاظت از عملیات کسب‌وکار اجرا کنند.
ژیانگ و همکاران[5] (۲۰۲۱)	قدرت روابط اجتماعی: پویایی سرمایه اجتماعی و بهبود اقتصادی خانوارها پس از زلزله وینچوان	سرمایه اجتماعی به بهبود اقتصادی خانوارها کمک می‌کند. توانایی یک خانواده برای توسعه راهبردی ارتباطات اجتماعی پس از بلایا، برای بازیابی بلایا ضروری است.
لی و ژو[6] (۲۰۲۱)	چه چیزی به بازیابی زودهنگام کسب‌وکارهای کوچک آسیب‌دیده از فاجعه کمک می‌کند: مطالعه موردی یک تعاونی محلی متأثر از زلزله بزرگ سال ۲۰۱۱ شرق ژاپن	نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار، رهبری کسب‌وکار و سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در بهبود اولیه کسب‌وکارهای کوچک داشته‌اند.

1. Huang
2. Morrish & Jones
3. Lee
4. Barnett-Quaicoo & Ahmadu
5. Xiang et al.
6. Li & Zhou

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

براساس جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین، به‌وضوح می‌توان دریافت که پژوهش‌های مربوط به مخاطرات طبیعی در جهان، حوزه‌ای نسبتاً جوان و در حال رشد است. در ایران اغلب پژوهش‌های مربوط به بازسازی پس از مخاطرات طبیعی، توجه خود را به مسأله بازسازی در حوزه ابعاد فیزیکی، کالبدی، فضایی، اجتماعی و روحی و روانی پس از مخاطره معطوف داشته‌اند و با وجود سانحه خیز بودن کشور ایران، مطالعات موجود در این راستا بسیار اندک بوده و در زمینه پژوهش‌های حوزه بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از مخاطرات طبیعی، خلأ و شکاف تحقیقاتی و نظری بسیاری وجود دارد و شایسته مطالعه‌ای نظام‌مند و جامع است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پارادایم کیفی، به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحلیل محتوا[1] است. جامعه موردمطالعه را مطلعان کلیدی، خبرگان دانشگاهی، متولیان امر بازآفرینی کسب‌وکارها، کارآفرینان و صاحبان کسب‌وکارها آسیب‌دیده شهری و روستایی در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار، سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین کنشگران مدنی که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با بحران زلزله سال ۱۳۹۶ سرپل ذهاب درگیر بودند، تشکیل داد (جدول ۳).

جدول ۳: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	شغل	تعداد
۱	فرماندار شهرهای درگیر در زلزله	۳
۲	معاونت عمرانی و طرح و برنامه فرمانداری‌ها	۴
۳	مسئول اتاق اصناف	۳
۴	مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت	۳
۵	مدیر جهاد کشاورزی	۳
۶	کنشگر مدنی و پژوهشگر مدیریت مخاطرات طبیعی	۳
۷	عضو هیأت علمی دانشگاه	۳
۸	کارآفرین و مالک کسب‌وکار	۷
	مجموع	۲۹

با توجه به اهداف پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری[2] و با بهره‌مندی از فنون قضاوتی و گلوله برفی[3]، با ۲۹ نفر از مطلعان کلیدی[4]، مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند[5] صورت پذیرفت. حجم نمونه، وابسته به اشباع نظری[6] داده‌ها بود؛ بنابراین، براساس شاخص کفایت نظری داده‌ها، در مصاحبه ۲۵، داده‌ها جنبه تکراری پیدا کرد و شاخص اشباع نظری حاصل گردید. با این وجود، برای اطمینان خاطر از اینکه داده‌های جدیدی به داده‌های قبلی افزوده نشود و برای اطمینان از حصول اشباع نظری، ۴ مصاحبه دیگر انجام شد. داده‌های پژوهش با دو روش مطالعه اسنادی-کتابخانه ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه گردآوری شد. به منظور سنجش اعتبار پژوهش، از روش‌های مثلث سازی[7]، تکنیک کنترل اعضاء و بازبینی توسط خبرگان استفاده شد. پرسش اصلی که به عنوان راهنمای مصاحبه‌ها طراحی شده بود و پاسخ‌های باز و تفسیری داشت، این بود که: «مناسب‌ترین الگوی فرآیندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک شهری و روستایی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه شامل چه فعالیت‌ها و مراحلی است؟». به منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌های پژوهش، پس از انجام هر مصاحبه، بلافاصله اطلاعات ضبط شده کلمه به کلمه روی کاغذ به‌صورت دست‌نویس نوشته شد. با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی نیاز است که پژوهشگر در اطلاعات غوطه‌ور گردد، بنابراین مصاحبه‌ها چندین بار شنیده و متون نوشته شده بارها مرور گردید. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، همزمان با گردآوری آن‌ها در راستای هدف پژوهش در شش مرحله آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجو برای یافتن مضامین با مرور کدهای استخراج شده، بازنگری مجدد مضامین جهت اطمینان از صحت آن‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضامین و آماده ساختن گزارش نهایی انجام شد. در طول فرآیند پژوهش، سعی شد تا با تماس و ارتباط طولانی‌مدت پژوهشگر با محل‌های پژوهش به جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و نیز به درک محیط پژوهش افزوده شود. جهت تأیید روایی داده‌ها و کدها، از بازنگری مشارکت‌کنندگان در پژوهش استفاده شد؛ بدین معنا که بعد از کدگذاری، متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر، اطمینان حاصل شود.

یافته‌های پژوهش

براساس مرور تجارب وقوع بحران‌های طبیعی در کشور از قبیل وقوع زلزله‌های مهیب، بازآفرینی و احیاء معیشت و کسب‌وکارهای سانحه دیدگان معمولاً مورد غفلت قرار گرفته است. از آنجا که، مشکل اشتغال‌زایی و کسب درآمد برای بازماندگان از مخاطرات طبیعی، بلافاصله پس از وقوع سانحه، شروع می‌شود، درنتیجه بازآفرینی کسب‌وکارها و معیشت بازماندگان، در کمترین رتبه توجه متولیان امر بازآفرینی بوده و در فرایند کمک‌رسانی‌ها، سهم ناچیزی به مقوله بازآفرینی کسب‌وکارها اختصاص داده می‌شود. البته جای هیچ تردیدی نیست که در مراحل اولیه پس از بحران، انجام اقدامات آواربرداری، اسکان اضطراری، اسکان موقت و... ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این وجود، در اقدامات بعدی توجه

1. Content Analysis
2. Theoretical sampling
3. Snowball Sampling
4. Key Informants
5. Semi-structured in-depth interview
6. Theoretical Saturation
7. Triangulation

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

به بازآفرینی کسب‌وکارها و توانمندسازی شغلی و معیشتی سانحه دیدگان، حائز اهمیت است. ازجمله دلایلی دیگری که ضرورت پرداختن و توجه به مسأله بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران را توجیه می‌نماید این است که بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده و تخریب‌شده، منجر به بازیابی وضعیت اقتصادی و معیشتی سانحه دیدگان و تقلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از سانحه و بازگشت آن‌ها به زندگی و ایجاد امید در آن‌ها، کاهش خشونت خانوادگی و تقلیل بسیاری از تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی پس از بحران می‌گردد. دیگر پیامد مثبت، ماندگاری سانحه دیدگان در منطقه بحران‌زده و کاهش مهاجرت و حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها است. افزون بر این، افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه را به همراه خواهد داشت و این خود منجر به حفظ نرخ اشتغال و در برخی موارد افزایش تقلیل بیکاری خواهد شد.

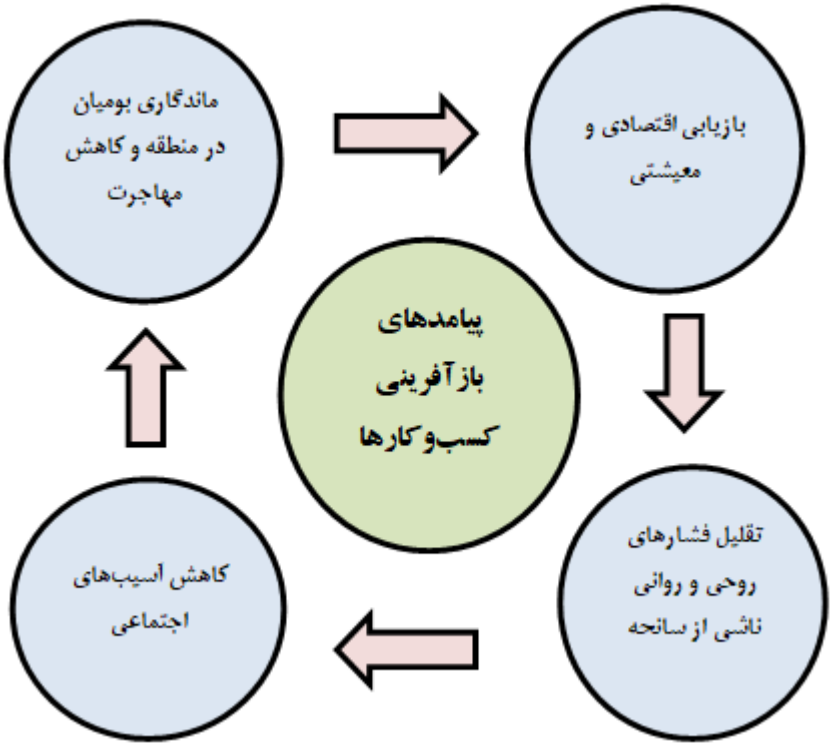

نمودار ۲. چرخه بازتولید پیامدهای مثبت بازآفرینی کسب‌وکارها پس از بحران زلزله (یافته‌های پژوهش)

همان‌گونه که در نمودار ۲ نمایان است، ضرورت دارد که دولت و نهادهای متولی بازآفرینی کسب‌وکارها، در این چرخه دخالت و نظارت مستقیم داشته باشند تا چرخه خودش را بازتولید نماید. در مقابل، چنانچه بازآفرینی کسب‌وکارها مورد غفلت قرار گیرد، این چرخه برعکس می‌شود؛ به عبارت دیگر، درصورت عدم بازآفرینی کسب‌وکارها، پیامدهای منفی همچون از دست رفتن معیشت سانحه دیدگان، افزایش آلام روحی و روانی سانحه دیدگان، افزایش خشونت، تنش‌ها و نزاع‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، اعتیاد، خودکشی، طلاق، کودکان کار، ازهم‌گسیختگی و خشونت خانوادگی، افزایش حاشیه‌نشینی و مهاجرت و درنهایت عدم سرمایه‌گذاری در منطقه بحران‌زده را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، پس از وقوع مخاطرات طبیعی، بازآفرینی برخی کسب‌وکارها که نقش مهمی در تأمین مایحتاج بازماندگان از سانحه دارند و تقاضا برای محصولات و خدمات آن‌ها بیشتر است، ضرورت دارد در اولویت برنامه‌های بازآفرینی قرار گیرند. براساس یافته‌های پژوهش، نخستین گام در زمینه بازآفرینی کسب‌وکارها، اولویت‌بندی کسب‌وکارها جهت بازآفرینی است. در این راستا، می‌باید براساس نوع کسب‌وکار، میزان تقاضا برای محصولات و خدمات کسب‌وکارها، برنامه‌ریزی‌های لازم و مجزا جهت بازآفرینی آن‌ها تدوین گردد؛ چراکه برخی کسب‌وکارها هستند که بعد از وقوع بحران با افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مواجه می‌شوند. افزون بر این، بازآفرینی کسب‌وکارهای روستایی و شهری با یکدیگر تفاوت زیادی دارند و هرکدام نیازمند برنامه مجزا برای بازآفرینی هستند. به‌عنوان مثال، در مناطق روستایی، کشاورزان و دامداران فراوانی وجود دارد که علاوه بر از دست دادن خانه و عزیزان خود، دارایی‌ها، منبع معیشت و دام‌هایشان را نیز از دست دادند و این اتفاق،

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

ضربه روحی و روانی سنگینی به آن‌ها وارد می‌نماید. همچنین توجه به کسب‌وکارهای کوچک خانوادگی که نقش بسزایی در پایداری معیشت خانواده دارد، ضرورتی انکارناپذیر است. افزون بر این، نقش زنان در مشاغل خانگی بسیار حائز اهمیت است که ضرورت دارد برای این گروه از کسب‌وکارها، به جهت بازگشت سانحه دیدگان به زندگی و تزریق امید به آن‌ها، اقدامات مجزا و مؤثری صورت پذیرد. از سوی دیگر، جهت حمایت از کسب‌وکارهای مذکور، اختصاص تسهیلات با بهره بسیار اندک و یا حتی بدون بهره، می‌تواند در بازآفرینی آن‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد.



تصویر ۳. اولویت‌بندی کسب‌وکارها برای بازآفرینی (یافته‌های پژوهش)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

شایان ذکر است، برای بازآفرینی و باز احیاء کسب‌وکارهای آسیب‌دیده در منطقه بحران‌زده، نمی‌توان برنامه و نسخه واحدی را تجویز و پیاده نمود؛ بلکه در هر منطقه با توجه به شرایط بومی حاکم بر آن منطقه، نوع کسب‌وکارها، میزان تقاضا برای خدمات و محصولات کسب‌وکارها، ضرورت دارد برنامه‌ریزی متناسب صورت پذیرد؛ بنابراین به منظور برنامه‌ریزی کارآمد و اثربخش، ابتدا باید تحلیل وضعیت به لحاظ میزان آسیب‌دیدگی و میزان اهمیت کسب‌وکارها در تأمین تقاضای مردمان محلی، صورت پذیرد. براساس یافته‌های پژوهش، به جهت تسهیل روند بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، برخی راهبردها از قبیل برنامه‌ریزی مجزا برای بازآفرینی کسب‌وکارها با توجه به نوع کسب‌وکار، راه‌اندازی و بازآفرینی فوری کسب‌وکارهای اولویت‌دار، توجه به نوع کسب‌وکارها با توجه به میزان تقاضامندی، توجه به بازآفرینی و تأسیس کسب‌وکارهای خانگی برای زنان، تفاوت قائل شدن بین کسب‌وکارهای شهری و روستایی، ارائه تسهیلات براساس اولویت به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، عدم گسیل واحدهای صنفی خارج از مناطق زلزله‌زده توسط ستادهای معین بازآفرینی، بازآفرینی صنف مصالح‌فروشی و در اختیار گذاشتن مصالح ارزان‌قیمت برای آن‌ها، می‌تواند راهگشا باشد. با اینکه ارائه یک الگوی یکپارچه و واحد جهت بازآفرینی که در همه بحران‌ها کارآمد باشد، امری دشوار است و بسته به نوع بحران و شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بومی و طبیعی منطقه بحران‌زده، الگوهای بازآفرینی متفاوت هستند. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است تا براساس یافته‌های پژوهش و با در نظر گرفتن شرایط بومی حاکم بر مناطق زلزله‌زده، الگوی فرایندی بازآفرینی کسب‌وکارها ارائه گردد. شایان ذکر است به منظور کاهش حجم خسارت‌ها و تسریع در روند بازآفرینی کسب‌وکارها، ضرورت دارد مالکان کسب‌وکارها اقدامات پیشگیرانه (قبل از وقوع بحران) را در دستور کار خود قرار دهند. افزون براین، به نظر می‌رسد نقش سازمان‌های متولی بازآفرینی در مرحله حین بحران و پس از وقوع بحران، نسبت به مرحله قبل از وقوع بحران به جهت به‌کارگیری اقدامات بازآفرینانه کسب‌وکارها، بارزتر باشد. شایان ذکر است که نتایج حاصل از فرآیند کدگذاری باز مقدماتی، منجر به ظهور ۱۵۲ کد اولیه گردید. سپس کدهایی که با یکدیگر قرابت معنایی داشتند، با یکدیگر ادغام و به ۷۶ کد تقلیل یافتند. در گام دوم، برای کدها و مضامین احصاءشده که دارای واحدهای معنایی مشترک بودند، ۳۱ مفهوم انتخاب گردید. درنهایت، مفاهیم احصاءشده در قالب ۳ مقوله‌ی راهبردهای قبل از وقوع بحران، راهبردهای حین بحران و راهبردهای پس از وقوع بحران، طبقه‌بندی شدند. در جدول شماره ۴ خلاصه‌ای از نتایج کدگذاری ارائه گردیده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

جدول ٤: خلاصه‌ای از نتایج کدگذاری (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	تم‌ها و کدهای باز	مقولات میانی	مقولات اصلی
۱	آموزش الزامی مواجهه با بحران‌ها و بلایای طبیعی	انجام اقدامات پیشگیرانه و آمادگی برای مواجهه با مخاطرات طبیعی	راهبردهای قبل از وقوع بحران
۲	تدارک صندوق برای حفاظت از مدارک مالی و دسترسی به آن‌ها بعد از بحران		
۳	دسترسی به آخرین نسخه از مدارک حساب‌های بانکی و سرمایه‌گذاری، کارت‌های اعتباری، ضمانت‌نامه‌ها و نسخ مالیاتی		
۴	دسترسی به تمامی مدارک مربوط به کسب‌وکار، اموال تجاری و هر مورد تحت پوشش بیمه‌ای در مواقع اضطراری		
۵	دسترسی به تمامی مدارکی که همواره موردنیاز هستند مانند وصیت‌نامه، وکالت‌نامه، پرونده سلامت و هر مدرک دیگری که توصیف‌کننده وضعیت شما پیش از حادثه هستند.		
۶	مطالعات توپوگرافی و زمین‌شناسی جهت احداث واحدهای کسب‌وکار	مکان‌یابی مناسب از نظر توپوگرافی، بافت ساختمان و مکانیک خاک برای کسب‌وکارها	
۷	بازآفرینی بافت قدیمی، فرسوده ساختار کالبدی کسب‌وکارها		
۸	نظارت نظام‌مهندسی مسکن هنگام ساخت‌وساز واحدهای کسب‌وکار	استانداردسازی ساختار کالبدی کسب‌وکارها	
۹	رعایت اصول مهندسی ساخت‌وساز هنگام احداث ساختمان‌ها و سازه‌های فیزیکی کسب‌وکارها		
۱۰	حفظ نقدینگی و تأمین مالی مناسب برای مواجهه با بحران	به‌کارگیری استراتژی‌های تاب‌آوری کسب‌وکار	
۱۱	به‌کارگیری روش‌های جایگزین برای فروش محصولات و ارائه خدمات		
۱۲	حفظ ارتباط مستمر با تأمین‌کنندگان مواد اولیه و شناسایی تأمین‌کنندگان جایگزین و ایجاد منابع چندمنظوره جهت تهیه مواد اولیه		
۱۳	اتخاذ تدابیری جهت همدلی با سرمایه‌های انسانی		
۱۴	انتخاب و تطبیق نوع بیمه خود با میزان ریسک حوادث	حفظ پوشش مناسب بیمه‌ای کسب‌وکار	
۱۵	بیمه کردن تمام اموال تجاری		
۱۶	بیمه تخصصی و اجباری بلایای طبیعی		
۱۷	ترویج فرهنگ بیمه قبل از وقوع بحران در بین مردم		
۱۸	مستندکردن همه یا بخش عمده‌ای از دارایی‌های خسارت‌دیده	مستندسازی دارایی‌ها و اموال کسب‌وکار	
۱۹	تهیه لیستی از دارایی‌ها شامل تاریخ خرید، قیمت و ارزش فعلی آن‌ها		
۲۰	گرفتن فیلم و عکس دارای تاریخ از دارایی‌ها و اموال تجاری		
۲۱	محافظت از دارایی خود در برابر بلایای طبیعی	تهیه نسخه پشتیبان از اسناد مهم تجاری نظیر مجوزها، قراردادها و ...	
۲۲	ذخیره دیجیتالی اسناد تجاری که در برابر حوادث آسیب‌پذیر نباشد		
۲۳	تقویت اعتماد عمومی سانحه دیدگان نسبت به متولیان امر بازآفرینی	تقویت سرمایه اجتماعی	
۲۴	تقویت ارتباط توأم با اعتماد بین مردم و مسؤولین در مواجهه با بحران		
۲۵	پشتیبانی خانواده و دوستان در هنگام وقوع بحران	جلب حمایت خانواده و دوستان	
۲۶	مشارکت نزدیکان، اقوام و بستگان در بازآفرینی		

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

ردیف	تم‌ها و کدهای باز	مقولات میانی	مقولات اصلی
۲۷	برنامه‌ریزی و سازماندهی و استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای بازآفرینی	انجام اقدامات کنترلی و بسیج امکانات و منابع	راهبردهای حین بحران
۲۸	نظارت، مقایسه و اصلاح فعالیت‌ها برای اطمینان از انجام درست		
۲۹	ایجاد امید به آینده به علت تألمات روحی و روانی	اعزام تیم‌های متشکل از روانشناسان، مشاوران و مددکاران اجتماعی جهت انجام مداخلات روحی و روانی جهت بازگشت امید به زندگی مالکان کسب‌وکارها	
۳۰	مشاوره روحی و روانی به مالکان کسب‌وکارهای و منابع انسانی آن‌ها		
۳۱	انگیزه بخشی و روحیه دادن به مالکان کسب‌وکاری خسارت‌دیده		
۳۲	حضور به هنگام کارشناسان برآورد خسارت در محل کسب‌وکار	اعزام تیم‌های کارشناسی جهت برآورد خسارت	
۳۳	برآورد خسارات ناشی از زلزله توسط کارشناسان خبره و متخصص		
۳۴	فوت صاحبان کسب‌وکار و پدیدار گشتن مشکلات حقوقی و وراثتی	اعزام کارشناسان حقوقی جهت تفکیک مالکیت‌ها	
۳۵	پدیدار گشتن چالش‌های حقوقی و قانونی پس از سانحه		
۳۶	اختصاص کانکس و کانتینر به واحدهای کسب‌وکار برای اسکان اضطراری و تداوم فعالیت کسب‌وکار اولویت‌دار	اختصاص مکان موقت جهت تداوم فعالیت	
۳۷	سروسامان دادن به حمل‌ونقل و زیرساخت‌های موردنیاز کسب‌وکارهای آسیب‌دیده		
۳۸	اصلاح و تغییر فرایندهای کسب‌وکار منطبق با شرایط بحران	ارائه مشاوره‌های بازنگری در مدل کسب‌وکار	
۳۹	بازنگری در راهبردها و استراتژی‌های کسب‌وکار		
۴۰	حضور تسهیلگران کسب‌وکار در زمان وقوع بحران در کنار مالکان کسب‌وکارها	اعزام منتورها و مربیان کسب‌وکار جهت ارائه مشاوره به مالکان کسب‌وکارها	
۴۱	ارائه راهکارهای بازآفرینی توسط مشاوران و متخصصان کسب‌وکار		
۴۲	بازآفرینی کسب‌وکارهای مرتبط با تأمین خدمات اسکان موقت	اولویت‌بندی کسب‌وکارها جهت بازآفرینی	
۴۳	بازآفرینی کسب‌وکارهای تأمین‌کننده مایحتاج روزانه مردم سانحه دیده		
۴۴	بازآفرینی کسب‌وکارهای مرتبط با حوزه ساختمان و بازسازی زیرساخت‌ها		
۴۵	بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک خانوادگی و زودبازده		
۴۶	بازآفرینی کسب‌وکارهای روستایی و مشاغل خانگی		
۴۷	وحدت رویه بانک‌های عامل در پرداخت تسهیلات	پرداخت تسهیلات براساس شاخص‌ها و معیارهای کارشناسی شده و نه معیارهای عمومی	
۴۸	پرداخت تسهیلات براساس نوع فعالیت و میزان خسارت وارده		
۴۹	پرداخت وام با کارمزد حداقل و متناسب با توان پرداخت مالکان مشاغل	اختصاص تسهیلات مناسب با بازپرداخت بلندمدت و با حداقل بهره و کارمزد	
۵۰	پرداخت تسهیلات با تنفس بلندمدت		
۵۱	توجه به حضور و مشارکت مردم بومی و محلی و نقش و اهمیت آن‌ها در پیشبرد اهداف بازآفرینی	استفاده از رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور جهت بازآفرینی	
۵۲	استفاده از خود مردم بومی در فرایند بازسازی و بازتوانی		
۵۳	استفاده از منابع داخلی، نیروها و اصناف بومی در روند بازآفرینی		
۵۴	توسعه یا تغییر مدل تجاری برای تولید و فروش محصولات	نوآوری و تغییر رویکرد در مدل کسب‌وکار	
۵۵	توجه به مزیت‌های رقابتی در بازنگری مدل کسب‌وکار		
۵۶	تغییر در مدل کسب‌وکار و منطبق با شرایط بحران		

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

ردیف	تم‌ها و کدهای باز	مقولات میانی	مقولات اصلی
۵۷	نظارت، کنترل و ارزیابی برنامه‌های اجرایی در حوزه بازآفرینی کسب‌وکار	اتخاذ مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی	راهبردهای پس از بحران
۵۸	نظارت بر روند اجرای فرایندهای بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده		
۵۹	راستی آزمایی و بررسی نحوه‌ی اجرای برنامه‌ها جهت حصول اطمینان	انطباق نتایج بدست آمده با اهداف تعیین شده	
۶۰	تطبیق برنامه‌های اجرایی با برنامه‌های تعریف شده و از پیش تعیین شده		
۶۱	تزریق منابع مالی برای رونق اقتصادی منطقه سانحه دیده	ارائه برنامه‌های بازآفرینی اقتصادی پس از بحران	
۶۲	افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه به جهت اجتناب از مهاجرت مردم بومی		
۶۳	تداوم ارتباط با مشتریان و حفظ سهم بازار	اتخاذ رویکرد مدیریت بازار پس از بحران	
۶۴	حفظ کارکرد نهادی کسب‌وکار و بازار هدف محصولات و خدمات		
۶۵	عدم رهاسازی منطقه بحران‌زده قبل از عادی شدن شرایط	تمرکز کامل روی منطقه بحران‌زده تا حل کامل بحران	
۶۶	ترک نکردن منطقه قبل از ثبات نسبی توسط متولیان امر بازآفرینی		
۶۷	توجه به احیاء کسب‌وکارهای منطقه بحران‌زده جهت تداوم معیشت	بازآفرینی کامل کسب‌وکارهای منطقه	
۶۸	بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده به جهت رونق اقتصادی		
۶۹	برقراری آرامش و ثبات در منطقه بحران‌زده	عادی‌سازی شرایط و بازگشت به حالت قبل از بحران و ثبات	
۷۰	کنترل اوضاع جهت بازگشت به قبل از بحران		
۷۱	دعوت از سرمایه‌گذاران خطرپذیر جهت سرمایه‌گذاری در منطقه	به‌کارگیری استراتژی‌های سرمایه‌گذاری مجدد در منطقه بحران‌زده	
۷۲	اختصاص مشوق‌های مالیاتی و بیمه‌ای برای سرمایه‌گذاران		
۷۳	کسب تجربه برای مواجهه با بحران‌های بعدی	دانش‌اندوزی، کسب تجربه و یادگیری چگونگی بازآفرینی کسب‌وکارها	
۷۴	درس‌آموزی و یادگیری از بحران		
۷۵	مستندسازی فعالیت‌ها برای تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده	مستندسازی تجارب مدیریتی بازآفرینی برای بحران‌های احتمالی آینده	
۷۶	نگارش و مستندسازی تجارب بحران‌های به وجود آمده		

در شکل تصویر شماره ۴، الگوی فرایندی بومی بازآفرینی کسب‌وکارها، در قالب مفاهیم و مقولات احصاء شده از متن مصاحبه‌ها، جهت اقدامات پیشنهادی برای بازآفرینی کسب‌وکارها در هریک از مراحل قبل، حین و پس از بحران ارائه گردیده است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]



تصویر ٤. الگوی فرایندی بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از بحران زلزله (یافته‌های پژوهش)

همان‌گونه که در تصویر شماره ۴ ملاحظه می‌شود، الگوی فرایندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده و تخریب‌شده پس از بحران زلزله سرپل ذهاب، مشتمل بر سه مرحله قبل، حین و پس از بحران است. هریک از مراحل فوق، مشتمل بر اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات و فعالیت‌هایی است که در هر مرحله از بحران می‌باید در دستور کار متولیان امر بازآفرینی و مالکان کسب‌وکارها قرار گیرد. به عنوان مثال؛ قبل از اینکه یک بحران طبیعی به وقوع بپیوندد، راهبردهایی نظیر انجام اقدامات پیشگیرانه و آمادگی برای مواجهه با بحران‌های طبیعی، مکان‌یابی مناسب از نظر توپوگرافی، بافت ساختمان و مکانیک خاک برای کسب‌وکارها، استانداردسازی ساختار کالبدی کسب‌وکارها، به‌کارگیری راهبردهای تاب‌آوری کسب‌وکار، حفظ پوشش مناسب بیمه‌ای کسب‌وکار، مستندسازی دارایی‌ها و اموال کسب‌وکار، تهیه نسخه پشتیبان از اسناد مهم تجاری نظیر مجوزها، قراردادها و ...، تقویت سرمایه اجتماعی و جلب حمایت دوستان و خانواده به‌عنوان راهبردهای پیشگیری، قبل از وقوع بحران می‌تواند سازنده باشد. براساس یافته‌های پژوهش، چنانچه اقدامات پیشنهادی قبل، حین و پس از وقوع بحران اتخاذ گردد، می‌تواند از حجم خسارت‌های احتمالی بکاهد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله‌ای که این پژوهش با آن مواجه بود این است که به‌رغم اثرات بلندمدت مخاطرات طبیعی بر روی کسب‌وکارها، پژوهش‌های نظام‌مند نسبتاً کمی پیرامون فرآیندها و نتایج مرتبط با بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده انجام شده است و نقش بازآفرینی کسب‌وکارها در فرایند بازسازی، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در هنگام وقوع بحران زلزله، به دلایل متعدد، تمام تلاش مسئولان و متولیان امر بازسازی، معطوف به سرعت بخشیدن به بازسازی از منظر کالبدی معطوف گشته و درنتیجه مقوله بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده مورد غفلت قرار می‌گیرد. پس از وقوع یک بحران طبیعی نظیر زلزله، سطح بازسازی به بازسازی از منظر کالبدی و فیزیکی تقلیل داده می‌شود؛ این در حالی است که بازسازی شاخص‌های دیگری نظیر بازسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. مرور تجارب وقوع بحران‌های طبیعی متعدد در کشور خود گواهی بر این ادعاست. در این راستا، موضوع پژوهش حاضر بخش مهمی از بازآفرینی کسب‌وکارهای جوامع پس از مخاطرات طبیعی است که ابعاد پیچیده آن، به‌رغم تکرار وقوع بحران‌های طبیعی متعدد در کشور، هنوز ناشناخته باقی‌مانده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف طراحی و ارائه مدلی مبتنی بر شرایط بومی و محلی، جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک پس از بحران زلزله سال ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه، صورت پذیرفته است. الگوی فرایندی بومی جهت بازآفرینی کسب‌وکارها پس از بحران زلزله، مشتمل بر سه مرحله قبل، حین و پس از بحران است. هریک از مراحل فوق، مشتمل بر اتخاذ راهبردهایی است که در هر مرحله از بحران می‌باید در دستور کار متولیان امر بازآفرینی و مالکان کسب‌وکارها قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های هاس و همکاران[1] (۱۹۷۷)، پاول و هاردینگ[2] (۲۰۰۹)، آلدریچ[3] (۲۰۱۱)، عسگری و همکاران (۲۰۱۳)، لی (۲۰۱۹)، لی (۲۰۲۱)، ژیانگ و همکاران (۲۰۲۱) و لی و ژو (۲۰۲۱) هم‌راستا است. به‌عنوان مثال یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند در روند بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران تسهیل و تسریع ایجاد نماید، سازه سرمایه اجتماعی است. در این راستا، آلدریچ (۲۰۱۱) سازه سرمایه اجتماعی را به‌عنوان قوی‌ترین و قابل پیش‌بینی‌کننده‌ترین عامل بهبود جوامع پس از بلایای طبیعی، معرفی می‌نماید. افزون بر این، یکی از نخستین پژوهش‌هایی که فرایند بازآفرینی را به شکل نظام‌مند موردمطالعه قرار داده است، پژوهش هاس و همکاران (۱۹۷۷) است. ایشان در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بازتوانی فجایع قابل سازماندهی، شناخت و پیش‌بینی است. این پژوهش پس از بررسی اقدامات بازتوانی و بازسازی در چهار سانحه بزرگ (سه مورد در آمریکا و یک مورد در نیکاراگوآ)، مدلی از بازسازی مخاطرات طبیعی ارائه نمودند که بازسازی را به چهار مرحله مجزا ولی دارای اشتراک تقسیم می‌نماید؛ مقطع اضطراری[4]، مرمت[5]، مقطع بازسازی و جایگزینی[6] و دوره بازسازی توسعه‌ای و ارتقاء[7]. همچنین، پاول و هاردینگ (۲۰۰۹) نیز روند بازآفرینی کسب‌وکار را در چهار مرحله توصیف نموده‌اند. پیشگیری از بحران (آماده‌سازی و ارزیابی ریسک قبل از بحران)؛ واکنش به بحران (دوره‌ای پس از حادثه یا زمانی که مردم نجات می‌یابند (درصورت نیاز) و آسیب ارزیابی می‌شود. معمولاً این دوره‌ای است که رسانه‌ها روی آن تمرکز می‌کنند)؛ بهبود بحران (مرحله بازسازی بلندمدت و دوره بهبود اقتصادی اجتماعی)؛ و یادگیری و اجرا (درس‌های آموخته شده از تجربه رویدادهای فاجعه‌آمیز که برای کسب‌وکار بکار گرفته می‌شوند و درنهایت به مرحله پیشگیری از بحران بازخورد داده می‌شود). به‌طورکلی، در مرحله امداد و نجات، توجه اصلی بر تأمین و توزیع خوراک، پوشاک، دارو و درمان، سوخت، اسکان اضطراری و مداخلات روانی و اجتماعی حادثه دیدگان متمرکز است؛ اموری که الزامی و ناگزیرند. تجارب گذشته وقوع زلزله‌های مهیب در ایران، حاکی از این است که اموری اساسی مانند اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و درآمدزا که می‌تواند زندگی آسیب دیدگان را متحول سازد و یا فعالیت‌هایی که در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده تأثیرگذارند، مانند مستندسازی و تحقیقات در امور مدیریت بحران، مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ بنابراین، اشتغال‌زایی و تداوم روند فعالیت کسب‌وکارها، مهم‌ترین نیاز دوره بازسازی است. تردیدی نیست که در مراحل اولیه پس از وقوع بحران، ضرورت دارد که به تهیه ارزاق، چادر و کانکس اقدام نماییم، ولی در مراحل بعدی، ضرورت دارد به تداوم فعالیت کسب‌وکارها و توانمندسازی آسیب دیدگان از سانحه توجه لازم صورت گیرد. چنانچه به تداوم فعالیت کسب‌وکارها و معیشت بازماندگان از سانحه توجه شود، نیاز کمتری به صرف هزینه‌های روان‌درمانی و سایر هزینه‌ها خواهد بود. پس از وقوع بحران‌های طبیعی در ایران، سامانه‌های اقتصادی درهم می‌ریزد؛ برخی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران از منطقه مهاجرت می‌کنند و تمایل سرمایه‌گذاران خارج از منطقه بحران‌زده به سرمایه‌گذاری کم می‌شود؛ کمک‌های دولتی و مردمی به پایان می‌رسد و درنتیجه بیکاری گذشته شدّت می‌یابد؛ بنابراین ضرورت دارد به مقوله‌ی اشتغال توجه ویژه شود. این امر منجر به درآمدزایی توسط خود بازماندگان از سانحه و کاهش نیاز آن‌ها به کمک‌های مرسوم می‌شود و موجب افزایش اعتمادبه‌نفس، پرهیز از روحیه تکدّی گری و افزایش توانمندی آن‌ها شده و آلام روحی و روانی آن‌ها تقلیل پیدا می‌کند. در این راستا پیشنهادهای زیر می‌تواند سازنده و راهگشا باشد: ۱) اجرای طرح‌های اشتغال‌زا از قبیل گردشگری، مشاغل خانگی، ساختمانی و صادراتی، به شرط داشتن بازار و به‌ویژه بازار صادراتی و از نظر فنی و مالی دارای توجیه اقتصادی؛ ۲) با توجه به اینکه بسیاری از زلزله‌زدگان

1. Haas et al.
2. Powell & Harding
3. Aldrich
4. Emergency Section
5. Restoration
6. Replacement Reconstruction Period
7. Betterment and Developmental Reconstruction Period

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱
Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

روستایی دام، احشام، طیور، زنبورعسل و به‌طورکلی منبع کسب درآمد خود را از دست می‌دهند، بنابراین بجای پرداخت وجود نقدی به بازماندگان از سانحه، پیشنهاد می‌شود به جهت برخورداری از منبع معیشت پایدار، دام و احشام در اختیار آن‌ها قرار گیرد؛ ۳) توسعه مشاغل خانگی و زودبازده مبتنی بر پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی مناطق آسیب‌دیده از بحران؛ ۴) اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح؛ ۵) در اختصاص طرح‌های اشتغال‌زای خانگی، اولویت به خانواده‌های سانحه‌دیده‌ای داده شود که خانه دارند ولی سرپرست آن بیکار است؛ ۶) تا حد امکان کالاهای اهدایی از منطقه بحران‌زده خریداری شود؛ حتی اگر گران‌تر باشند. این امر به توانمندسازی و اشتغال‌زایی مردم بومی کمک خواهد کرد؛ ۷) تا حد امکان پوشاک موردنیاز را تولیدی‌های پوشاک در منطقه تولید کنند. این امر سبب ایجاد شغل و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی خواهد شد؛ ۸) در بازسازی واحدهای مسکونی و غیرمسکونی از پیمانکاران کارآمد محلی و مصالح استاندارد محلی در منطقه استفاده شود. این امر منجر به کمک به بهبود وضعیت اقتصادی منطقه و امید به کار و اشتغال می‌شود؛ ۹) در بازسازی‌ها حتماً از نیروی کار بومی و محلی استفاده شود. این امر منجر به ایجاد شغل و امید به آینده برای جوانان و خانواده‌ها می‌شود؛۱۰) در کلیه فرایندهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های بازآفرینی، مردم محلی و بومی در فرایندها مشارکت داده شوند (توجه به مدیریت بحران اجتماع‌محور). این امر سبب پایداری فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد. شایان ذکر است، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مالکان کسب‌وکارها، مسئولین، دست‌اندرکاران و متولیان امر بازسازی پس از سانحه و کنشگران بخش‌های مختلف و همچنین سایر سازمان‌های دولتی (سدن‌ها) و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، در راستای بازآفرینی و تداوم فعالیت کسب‌وکارهای کوچک مناطق بحران‌زده و کنترل و تعدیل مشکلات فراروی کسب‌وکارهای کوچک، راهگشا باشد. چنانچه احیاء و بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده و تخریب‌شده در مناطق بحران‌زده، آغاز گردد، مردم مناطق بحران‌زده در بازسازی شهرشان موفق‌تر عمل خواهند کرد؛ چرا که تجارب این‌گونه حوادث طبیعی نشان داده است که باید زمینه‌ای فراهم کرد تا مردم آسیب‌دیده خودشان در بازسازی شهرشان تلاش و مشارکت داشته باشند. با از بین رفتن بازار کسب‌وکارها، تلاش، حرکت و توسعه و رونق اقتصادی و تجاری شهر از بین خواهد رفت. این امر سبب تشدید معضل بیکاری و پدیده مهاجرفرستی در مناطق زلزله‌زده خواهد شد. این در حالی است که استان کرمانشاه به‌شدت با معضل بیکاری و فلاکت مواجه است و براساس آمار منتشر شده، معمولاً رتبه‌های اول تا سوم بیکاری را در میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. با این اوصاف، زلزله مخرب و فاجعه‌آمیز استان کرمانشاه بار دیگر نشان داد که ایران به شدت زلزله‌خیز بوده و در مقابل این پدیده بسیار آسیب‌پذیر است. این زلزله به کسب‌وکارها آسیب جدی وارد نموده و یا آن‌ها را نابود کرد. در این مرحله با توجه به گذار از مراحل اولیه بحران، ضروری است تدابیر و راهبردهایی جهت بازآفرینی و احیاء مجدد کسب‌وکارها و فراهم‌سازی زمینه برای ایجاد اشتغال پایدار مردم زلزله‌زده اندیشیده شود؛ چراکه بدون توجه به این امر، بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعدی، ابعاد بسیار وسیع‌تری نسبت به خود زلزله خواهند داشت. در این راستا به منظور انجام پژوهش‌های آتی، موارد ذیل پیشنهاد می‌رود: در پژوهش حاضر کسب‌وکارهای بزرگ موردمطالعه قرار نگرفته‌اند و صرفاً کسب‌وکارهای کوچک آسیب‌دیده از زلزله، موردبررسی و مطالعه قرار گرفته است. براین اساس، پیشنهاد می‌شود روند و چگونگی بازآفرینی کسب‌وکارهای بزرگ پس از بحران‌های طبیعی موردمطالعه قرار گیرد. تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی مالکان کسب‌وکارها از قبیل سن، جنسیت، تحصیلات، نژاد یا قومیت، تجربه بحران طبیعی، درک مالک کسب‌وکار از بازآفرینی؛ روی بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده موردمطالعه و بررسی قرار گیرد. همچنین، تأثیر ویژگی‌های کسب‌وکارها نظیر نوع کسب‌وکار، اندازه کسب‌وکار، سهم بازار، مالکیت دولتی یا خصوصی، شرایط مالی قبل از فاجعه؛ بر روی بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده موردمطالعه و بررسی قرار گیرد. به منظور انجام مطالعه تطبیقی، اجرای این پژوهش بعد از وقوع بحران‌های طبیعی در سایر مناطق کشور، پیشنهاد می‌شود. درخصوص محدودیت‌های پژوهش می‌توان اظهار نمود که عموماً هر پژوهشی با محدودیت‌های خاص خود روبرو است؛ بنابراین، پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی به شرح ذیل بوده است: یکی از محدودیت‌هایی که در انجام این پژوهش با آن مواجه بودیم، خلأ تئوریکی و گردآوری ادبیات نظری پژوهش، به علت عدم انجام پژوهش‌های جامع و نظام‌مند درباره‌ی مسأله بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران در ایران بود. محدودیت دوم؛ موافقت و جلب نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش و برخورد قهرآمیز برخی از مالکان کسب‌وکارها با پژوهشگر، به علت بدبینی آن‌ها به مسئولین و کارشناسان ارزیابی خسارت، به علت بازدیده‌ای مکرر و دادن وعده و قول‌های فراوان و عدم عملی ساختن آن‌ها بود. محدودیت سوم؛ ضعف تعمیم‌دهی نتایج پژوهش در روش‌های پژوهش کیفی است.

منابع

۱. اداره صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه (۱۳۹۶). «گزارش خسارات وارده به واحدهای تولیدی شهر سرپل ذهاب و روستاهای اطراف آن».

۲. ایرانمنش، محمد (۱۳۹۶). الگویی نو در کمک‌رسانی‌های انسان دوستانه؛ اولویت اشتغال‌زایی در کمک‌رسانی‌های پس از حادثه (براساس تجارب زلزله‌های بم و قره داغ آذربایجان شرقی). تهران: انتشارات صمدیه، چاپ اول.

۳. پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله (۱۳۹۶). «گزارش زمین‌لرزه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ سرپل ذهاب استان کرمانشاه»، چاپ پنجم.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱

Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

٤. حسین پور، مریم (۱۳۹۲). بررسی خطر زلزله بم و روند بازسازی شهر پس از زلزله ۱۳۸۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی (مخاطرات محیطی)، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

٥. خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۳۹۶). «مروری بر بزرگ‌ترین و مرگبارترین زمین‌لرزه‌های ایران در ۱۱۰ سال اخیر».

٦. دوستی، افسانه؛ محتاط، نیلوفر و اسدیان زرگر، نعیمه (۱۳۹۴). برنامه بازتوانی کالبدی زلزله احتمالی استان تهران و البرز با رویکرد کاهش آسیب‌پذیری در مناطق شهری. دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۵ (۳)، ۲۱۰-۲۲۰.

٧. سرور، هوشنگ و کاشانی اصل، امیر (۱۳۹۵). ارزیابی آسیب‌پذیری کالبدی شهر اهر در برابر بحران زلزله. آمایش محیط، ۹ (۳۴)، ۸۷-۱۰۸.

٨. عزمی، آئیژ؛ معصوم پور، جعفر و شاهمرادی، علی (۱۳۹۵). بررسی نقش مردم بومی در درک مخاطرات طبیعی و آمادگی در برابر آن‌ها در سطح دهستان زالوآب بخش مرکزی شهرستان روانسر استان کرمانشاه. دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۶ (۴)، ۳۸۲-۳۹۱.

9. Aldrich, D. P. (2011). The power of people: social capital's role in recovery from the 1995 Kobe earthquake. Natural hazards, 56(3), 595-611.

10. Alesch, D. J., Holly, J. N., Mittler, E., & Nagy, R. (2001). Organizations at risk: what happens when small businesses and not-for-profits encounter natural disasters, Small organizations natural hazards project? Fairfax: Public Entity Risk Institute.

11. Alkhurayyif, M., Winkler, J., Andrew, S., & Krueger, S. (2021). Comparative Public Finance Approaches to Natural Hazards Management, In Oxford Research Encyclopedia of Natural Hazard Science.

12. Ansari, Mojtaba, Yeganeh, Mansour, Bemainan, Mohammadreza. 2012. Architecture as an Organism. International Conference on Industrial Engineering and Operations Management

13. Asgary, A., & Naini, A. S. (2011). Modelling the adaptation of business continuity planning by businesses using neural networks, Intelligent Systems in Accounting, Finance and Management, 18 (2-3), 89-104.

14. Asgary, A., Anjum, M. I., & Azimi, N. (2012). Disaster recovery and business continuity after the 2010 flood in Pakistan: Case of small businesses, International journal of disaster risk reduction, 2 (1), 46-56.

15. Asgary, A., Azimi, N., & Anjum, M. I. (2013). Measuring small businesses disaster resiliency: case of small businesses impacted by the 2010 flood in Pakistan. International Journal of Business Continuity and Risk Management, 4(2), 170-187.

16. Asgary, A., Pradhan, S., & Wang, JY. (2020). Dynamic and Adaptive Resilience of Small Businesses after the 2015 Nepal Earthquake, International Journal of Business Continuity and Risk Management.

17. Ashtari, B. Yeganeh, .Bemanian, . MM. Vojdani Fakhr. B.2021. A Conceptual Review of the Potential of Cool Roofs as an Effective Passive Solar Technique: Elaboration of Benefits and Drawbacks. Frontiers in Energy Research, 624

18. Barnett-Quaicoo, P., & Ahmadu, A. (2021). Business continuity and disaster recovery in Ghana–a literature review, Continuity & Resilience Review, 3 (2), 104-118.

19. Cochrane, H. C. (1992). Overview of economic research on earthquake consequences. The Economic Consequences of a Catastrophic Earthquake, 100-111.

20. Corey, C. M., & Deitch, E. A. (2011). Factors affecting business recovery immediately after Hurricane Katrina, Journal of Contingencies and crisis management, 19 (3), 169-181.

21. Dietch, E. A., & Corey, C. M. (2011). Predicting long-term business recovery four years after Hurricane Katrina, Management Research Review, 34 (3), 311-324.

22. Haas, J. E., Kates, R. W., & Bowden, M. J. (1977). Reconstruction following disaster. In Reconstruction following disaster, US the Massachusetts Institute of Technology.

23. Huang, L., Wang, L., & Song, J. (2018). Post-disaster business recovery and sustainable development: a study of 2008 Wenchuan Earthquake, Sustainability, 10 (3), 651.

24. International Conference on Industrial Engineering and Operations Management

25. Khan, M. A. U., & Sayem, M. A. (2013). Understanding recovery of small enterprises from natural disaster, Environmental Hazards, 12 (3-4), 218-239.

26. Lee, J. (2019). Reopening Businesses after Hurricane Harvey: Evidence from a Duration Model with Spatial Effects. Disasters.

27. Lee, J. (2021). Reopening businesses after Hurricane Harvey: Evidence from a duration model with spatial effects, Disasters, 45 (2), 296-323.

28. Lee, J. (2021). The economic aftermath of Hurricanes Harvey and Irma: The role of federal aid, International Journal of Disaster Risk Reduction, 61, 102301.

29. Li, J., & Zhou, F. (2021). What Helps Early Recovery of Disaster-Affected Small Businesses: A Case Study of a Local Cooperative Affected by the 2011 Great East Japan Earthquake, Journal of Disaster Research, 16 (8), 1234-1242.

30. Marshall, M. I., Niehm, L. S., Sydnor, S. B., & Schrank, H. L. (2015). Predicting small business demise after a natural disaster: an analysis of pre-existing conditions, Natural Hazards, 79 (1), 331-354.

31. Morrish, S. C., & Jones, R. (2020). Post-disaster business recovery: An entrepreneurial marketing perspective, Journal of Business Research, 113, 83-92.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱

Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

2523-2542.

45. Yeganeh, Mansour, Bemanian Mohammadreza, Ansari Mojtaba, Architecture as an Organism, 2012.
46. Yeganeh, Mansour,2015. "Educating designing an architectural model based on natural principles and criteria." International conference new perspectives in science education.
47. Yeganeh, Mansour. 2017. Intergenerational Semiotic Discourse as a Methodological Approach in Identity transforming of Islamic Cities. Revival of knowledge in the Muslim World: Methodological Approaches
48. Zare, Z. Yeganeh, M. Dehghan, N. 2022. Environmental and social sustainability automated evaluation of plazas based on 3D visibility measurements, Energy Reports, Volume 8, 2022, Pages 6280-6300, ISSN 2352-4847, https://doi.org/10.1016/j.egyr.2022.04.064.
49. Zhang, Y., Lindell, M. K., & Prater, C. S. (2009). Vulnerability of community businesses to environmental disasters, Disasters, 33 (1), 38-57.
32. Orhan, E. (2016). Building community resilience: business preparedness lessons in the case of Adapazarı, Turkey, Disasters, 40 (1), 45-64.
33. Poontirakul, P., Brown, C., Noy, I., Seville, E., & Vargo, J. (2016). The role of commercial insurance in post-disaster recovery: Quantitative evidence from the 2011 Christchurch earthquake, 1-44.
34. Powell, F., & Harding, A. (2009). Business recovery and the rebuilding of commercial property. In Proceedings of'Shaken Up'a workshop on recovery following the Gisbourne Earthquake. Wellington: Opus (pp. 38-59).
35. Rose, A. Z. (2009). A framework for analyzing the total economic impacts of terrorist attacks and natural disasters. Journal of Homeland Security and Emergency Management, 6 (1), 1-17.
36. Sakhaei, H., Yeganeh, M., & Afhami, R. (2022). Quantifying Stimulus-Affected Cinematic Spaces Using Psychophysiological Assessments to Indicate Enhanced Cognition and Sustainable Design Criteria. Frontiers in Environmental Science, 302.
37. Shahbazi, Mehrdad, Yeganeh, Mansour, Bamanian, Yeganeh. 2020. Meta-analysis of environmental vitality factors in open spaces. Motaleate Shahri 9 (34), 61-76
38. Sydnor, S., Niehm, L., Lee, Y., Marshall, M., & Schrank, H. (2017). Analysis of post-disaster damage and disruptive impacts on the operating status of small businesses after Hurricane Katrina, Natural Hazards, 85 (3), 1637-1663.
39. Tierney, K. J. (2007). Businesses and disasters: Vulnerability, impacts, and recovery. In Handbook of disaster research (pp. 275-296). Springer, New York, NY.
40. Webb, G. R., Tierney, K. J., & Dahlhamer, J. M. (2000). Businesses and disasters: Empirical patterns and unanswered questions, Natural Hazards Review, 1 (2), 83-90.
41. Whitney, D. J., Dickerson, A., & Lindell, M. K. (2001). Nonstructural seismic preparedness of Southern California hospitals, Earthquake Spectra, 17 (1), 153-171.
42. Xiang, T., Welch, E., & Liu, B. (2021). Power of social relations: The dynamics of social capital and household economic recovery post Wenchuan earthquake, International Journal of Disaster Risk Reduction, 102607.
43. Xiao, Y., & Peacock, W. G. (2014). Do hazard mitigation and preparedness reduce physical damage to businesses in disasters? Critical role of business disaster planning, Natural Hazards Review, 15 (3), 1-11.
44. Xiao, Y., & Van Zandt, S. (2012). Building community resiliency: Spatial links between household and business post-disaster return, Urban Studies, 49 (11),

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۸ . پاییز ۱۴۰۱

Urban managment
No.68 Autumn 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]